

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نیلاب

۱۷ اگست ۲۰۱۷

چرا مبتدل نویسی غیرمسئولانه به نام « هواداران ساما در کانادا »؟

پس از درگذشت داکتر عبدالهادی "محمودی"، به تاریخ هشتم ماه اگست وبسایت «گفتمان» پیام تسلیت فردی بی مسؤولیت را به نام جمع "هواداران ساما در کانادا" به نشر سپرد که علی رغم ظاهرش برای همدردی، هم به گرامی یاد "محمودی" اهانت روا داشت و هم اسم و هویت فکری – سیاسی رفقای سامائی زنده یاد "مجید" را خدشه دار و مبتدل ساخت. در این نوشتار کوتاه به آن می پردازم. اسم جمع "هواداران ساما در کانادا" اسم مشخصی است که هویت فکری، سیاسی و تشکیلاتی افراد خوشنام زیادی را بیان کرده و نسبت آنان را به "ساما" نشان می دهد.

همان طور که اسم "هجاما" دست آورد مبارزاتی زنده یاد "قیوم رهبر" و تعداد زیادی از دوستداران "مجید" و "ساما" است که سال ها برای نشر و جا افتادن آن عرق ریخته اند و نباید به بازی گرفته شود؛ همین طور هویت فکری، سیاسی و تشکیلاتی "هواداران ساما در کانادا" از سال ۱۹۸۵ م تا همین حالا محصول زحمت و عرق ریزی مشترک جمع کثیری از سامائی های مبارز و وفادار به خط فکری – سیاسی «ساما» بوده است که نباید ملعبه هوی و هوس و وسیله تخریب هویت سامائی و بدنام سازی و مبتدل سازی هویت و اندیشه "مجید" و "ساما" واقع شود.

نویسنده این سطور افتخار دارم که با همین هویت سیاسی سال های متمادی زیر درفش "ساما" کار کرده و رفقای باورمند و استوار منسوب به "هواداران ساما در کانادا" افتخار دارند که در همان ابتدای انحرافات و تسلیم طلبی مرکزیت منحرف مطرود نزد سامائی های وفادار به خط مبارزاتی "مجید"، علیه آن مرتجعان شورش به حق کرده اند و در دفاع از ساحت و ارزش های انقلابی "ساما" سائر بخش های اصولی و پیشرو "ساما" را تا این دم همراهی کرده اند و خواهند کرد.

این جانب به حیث یکی از افراد با هویت مشخص این جمع وارسته و انقلابی بدین وسیله نگرانی و اعتراض جمعی خویش را علیه مبتدل ساختن یک هویت جمعی و سوء استفاده از یک چنین اسم جمع و با مسما که نه به یکی دو تن بلاتکلیف، بلکه به یک جمع مبارزاتی مصمم تعلق دارد که در میدان حی و حاضر اند، بیان می دارم.

تمامی جانبازان و جانباختگان جنبش انقلابی خلق افغانستان، اعم از شعله نی، سامائی، رهائی، پیکاری، ساوونی، اخگری، انقلابی و... در زمان حیات و وفات شان انسان های مترقی و سیکولاری بودند باورمند به اندیشه پیشرو عصر که در مرکز آن جهان بینی دیالکتیکی قرار داشت. آری! "مجید"، "یاری"، "سرمد"، "رستاخیر"، "قیوم رهبر"، "بهمن"، "رحیم محمودی"، "هادی محمودی"، "جرأت"، "میرویس"، "فیض احمد"، "پاغر" و صد ها و هزاران سر

فراز دیگر تاریخ مبارزاتی این سرزمین انسان هائی بودند سیکولار و پیرو فلسفه مترقی. این حقیقت و تعلق فکری این جانبازان را سواى توده های خلق، دیگر همه دشمنان قسم خورده ایدئولوژیک، ملی و طبقاتی ما یعنی "خلق و پرچم" و اخوان و ارتجاع منطقه و امپریالیسم جهانی از دیرباز تا حال می دانند.

کاربرد واژه ها و ترکیب های "روحش شاد"، "روانش شاد"، "روانشاد"، "شادروان" و سائر ترکیب هائی از این قبیل...؛ به خودی خود می رساند که روان پس از مرگ و خارج از جسم، هم زنده می ماند و هم می تواند شاد بزیَد! چنین طرز دیدی از لحاظ فلسفه ای که این جانبازان و جانباختگان جنبش انقلابی خوانده و سال ها تدریس کرده اند، یعنی ایده آلیسم عینی. یعنی اعتراف به وجود جسم و روح جدا از جسم. یعنی موضع گیری ایده آلیستی در مسأله اساسی فلسفه و به نفع ایده آلیسم و به زیان ماتریالیسم.

هرگاه کسی این واژه ها را در مورد افراد "درگذشته" به کار ببندد، از دو حالت خارج نیست:

۱. یا فرد استعمال کننده این ترکیبات ایده آلیستی و مذهبی باور مذهبی و جهان بینی ایده آلیستی خود را صادقانه بیان کرده است؛ باوری که می گوید روح، جان یا روان پس از مرگ می تواند جدا از جسم در آسمان ها زنده بماند و شاد هم شود.

۲. یا قصد منافقت دارد. تعبیر سیاسی منافقت هم صاف و ساده این است تا در جبهه ارتجاع مقبولیت و جای پائی و پاداشی دریابد.

«منافقت» هم در قاموس اسلام ناب محمدی "تظاهر فرد نامسلمان به اسلام" و «منافق» نیز "فرد متظاهر به اسلام" تعریف شده است. دست بوسی شیطان مکار "حضرت مجددی" توسط "رنگین اسپننا" و خم شدن "اعظم دادفر" در پای جنگ سالار خونخوار "رشید دوستم"، نمودار و نماد سیاسی چنین منافقتی، در جنبش انقلابی افغانستان، محسوب می شود.

آن طور که گفتیم، "مجید"، "رهبر"، "سرمد"، "جرات"، "شریف"، "هادی محمودی" و سائر بانیان، رهبران، نظریه پردازان و کادر های "ساما"، منافق و اسلام پناه نبودند و ایدالیسم و واژه های برخاسته از آن و مذهب جایگاهی در جهان بینی پیشرو و سیکولار آنان نداشت. حال اگر کسی یا کسانی پیدا شوند که هم سنگ وفاداری "ساما" و "مجید" سیکولار را به سینه بکوبند، هم خود را مطلع و محرم اسرار و مهم نشان بدهند و بار بار "داؤود سرمد" سیکولار و "هادی محمودی" مدعی اعتقاد به مارکسیسم - لنینیسم را "شاد روان" بخوانند؛ یا حمل بر باور جدید ایدالیستی و مذهبی غیر سامائی شان می شود یا دلیل بر منافقت آنان برای یافتن جای پائی در "منتها الیه" جبهه راست ارتجاع و رسیدن به آب و نانی به قیمت تخریب عمدی یک تاریخ، یک اندیشه، و یک هویت. آن تاریخ، اندیشه و هویت کسان دیگری هم نیست به جز "مجید"، اندیشه انقلابی "مجید" و "سامای انقلابی مجید" و نیرو های انقلابی مماثل کشور.

نثار شرم آور کلمه "مرحوم" و گفتن "مرحوم داکتر هادی محمودی" برای "هادی محمودی" که آشکارا سال های سال خود را "مارکسیست - لنینیت" و "کمونیست" نامیده است (کاری به جدیت این ادعا نداریم) توسط رفقای سامائی "مجید"، توسط همان کسی که زنده یاد "داؤود سرمد" چپ و سیکولار را شادروان می خواند، و یا تحت نام "هوادران ساما در کانادا"؛ بی حرمتی بزرگ به گرامی یاد "هادی محمودی"، به زنده یادان "مجید" و "رهبر"، به هویت سامائی و به همه سامائی های رفته و زنده پیرو فلسفه و جهان بینی مترقی خاصاً به جمع خوشنام "هوادران ساما در کانادا"، تلقی می شود. این کمال بی مسؤولیتی و کمال بی خردی است که فرد یا افراد ابله، عدم اعتقاد و نادانی از فلسفه "ساما" و خیره سری خود ها را به سرپای یک جمع و یک هویت خوشنام مبارزاتی سرایت دهد یا دهند. این کمال ابلهی است

که سکوت توأم با شکیبائی و تدبیر افراد دردمند و با مسؤولیت جمع را با دست کم گرفتن شعور جمعی سامائی ها و غیر سامائی ها، بی شعوری تلقی کنند.

چقدر شرم آور است که رهروان راه و دوستان دروغین "مجید" پس از ۳۷ سال هنوز هم نتوانند نام درست "سازمان انقلابی وطنپرستان واقعی" را به خاطر سپرده و بر زبان و در کلام بیآورند. بدیهی است که عیب فقدان خرد و بی اطلاعی به همه اعضای خانواده سرایت می کند.

همان کسی که "سرمد" را شادروان می گوید، به نام رفاقت با "مجید"، - رفاقتی که به آن وفادار نماند -؛ در فردای مرگ داکتر "هادی محمودی" در فیس بوک به منظور شمامت "هادی محمودی" و اهانت به اندیشه پیشرو، ضمن دهن کجی به طعنه گفت که "هادی محمودی" تا زمان مرگش پیرانه سر به افکار دوران جوانی اش پایبند ماند(نقل به معنا). یعنی دگماتیک ماند و هم‌رنگ جماعت و مورد پذیرش استعمار و ارتجاع نشد. این در عین حال دهن کجی به "مجید" - رهبر"، به همه انقلابیون جانباز افغانستان و جهان و به اندیشه انقلابی، توسط رفیق دیروز "مجید" و رهرو پررو و دروغین راه او، تحت نام رفاقت با "مجید" است.

برای خواننده غیرسامائی و یا جوانان بی اطلاع از تاریخ، اندیشه و مبارزات "ساما" و "مجید"، یک چنین دهن کجی و استهزاء در برابر فردی استوار در روز مرگش؛ توسط یک فرد منسوب به "ساما" و "مجید" یعنی نادانی، بی اطلاعی، ایده آلیست، مذهبی، اسلام پناه، مرتجع، عوام الناس و منافق بودن رفقای سامائی "مجید". و این اهانتی است بزرگ به "مجید"، به رهبر و به کلیه سامائی ها و منسوبان "ساما" و دوستان "مجید" و پیروان اندیشه انقلابی و از دید ما به گرامی یاد داکتر "هادی محمودی" و نتیجه یک عمر مبارزات مردمی و انقلابی اش.

اگر کسانی به اسم حقیقی خود شان غلط بیندیشند، راه غلط بروند و غلط عمل کنند؛ خود مسؤول صواب یا خطای تفکر، راه و عمل خویش اند؛ نه دیگران و مردم و تاریخ نیز از آنان می پرسند نه از دیگران. اما اگر لوٹ چنین کج اندیشی و کجروی را بر دیگران تحمیل کرده و بر سراپای یک جماعت منزله بگسترانند و مهر آن را بر جنبین هر فرد منسوب به آن جمع بکوبند؛ این دیگر جفا به فرد و جمع، به اندیشه و تاریخ، به رفتگان، به ماندگان و آیندگان آن جمع بزرگ است. این دیگر پذیرفتنی نیست و افراد باورمند، اصولی، استوار، نیالوده و منسلک چنین جمعی حق دارند که شورش و اعتراض کنند. چنین شورش و اعتراضی هم به حق است، هم لازم و هم ستودنی و اصولی.

من از سهم گیری هر دوستی در این بحث منطقی - فلسفی با هویت معلوم و مشخص (نه با مستعار نویسی) برای پیشبرد منطقی، مستدل و دموکراتیک این بحث به گرمی استقبال می کنم.

ما سال ها با شکیبائی و خویشنداری، تمام سبوتاژها و تحرکات عمدی خصمانه ضد سامائی چنین افراد و حلقات را به نام دوستی با "ساما" و "مجید"، تحمل کردیم و چنین کج روی و کج اندیشی را به منظور اصلاح عاملان و حاملان آن صبورانه و به امید اصلاح آنان گوشزد کردیم. اما امید و دل بستن به اصلاح کج روان و کج اندیشان هم انتظار واهی و بیهوده تا روز قیامت نیست. آلودن ارزش ها و ساحت "ساما" و تخریب هویت سامائی و معنویت انقلابی قابل اغماض و معاوضه نیست.

قابل یادآوری به همه منسوبان "سامای مجید" و غیرسامائی ها می دانیم که این دو مورد سوء استفاده اخیر از اسم جمع با مسمای "هوادران ساما در کانادا" دقیقاً در هماهنگی کامل و به دستور باند سه نفره مرکزیت قبلی مطرود اپورتونیست، تسلیم طلب و خائن برای سبوتاژ و دسیسه سازی و ایجاد مصروفیت و درد سر طرح و توسط دو تن از افراد مرتبط با آنان عملی شده است.

پس از این تذکرات لازم آگاهگرانه، در صورت سماجت بیشتر، شماتت اصولی و مقتضی را لازم می دانیم. اگر ضرورت افتد، ناگزیریم تا پس منظر وقایع و تبانی و تفاهم میان این دو تن همکار مرکزیت خائن را برملا کنیم. در آن صورت اگر تر و یا خشکی سوخت و یا پای افراد دیگری در میان آمد - که لاجرم می آید - و یا رازی از پرده برون افتاد، ما را معذور و سوء استفاده کنندگان را مسؤول بدانید. با عرض ادب و احترام به شما خواننده محترم سطور فوق، نیلاب